

کتابهای خارجی

مدرسه: نشر دانش در جهان اسلام، زیر نظر، نیکول گراندن^۱ و مارک گبوریو.^۲ انتشارات آرگومان، پاریس
۱۹۹۸، ۴۲۶ ص

MADRASA: La transmission du savoir dans le monde musulman. Sous la direction de
Nicole Grandin et Marc Gaborieau. Edition Arguments, Paris, 1988. 426p

۴۵۱

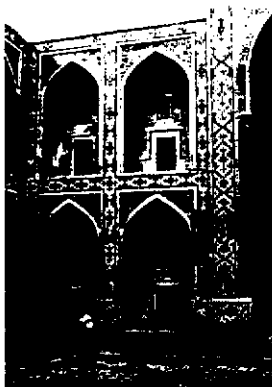
کتاب حاضر گردآوری مجموعه سخنرانی‌های سمینار نظام آموزش دینی قدیم و جدید در جهان اسلام است. سمیناری که در سال ۱۹۹۲ توسط مارک گبوریو در گروه پژوهشی «اسلام حاشیه‌ای» (Islam périphérique) مدرسه عالی علوم اجتماعی پاریس برگزار شد و در آن ۲۴ پژوهشگر کشورهای اسلامی: هند، ایران مصر، چین، ترکیه، بالکان، اندونزی، افغانستان، آسیای مرکزی ... به سخنرانی پرداختند. این گروه پژوهشی علاوه بر این سمینار، از سال ۱۹۸۲ تاکنون سه میزگرد دیگر پیرامون تصوف در جهان اسلام نیز برگزار نموده‌اند.

کتاب علاوه بر دو پیشگفتار، دارای شش بخش است و دو فهرست اسامی خاص نیز به همراه دارد، که در آن پژوهشگران به بررسی تاریخی مؤسسات دینی و نشر اسلام پرداخته‌اند، یعنی مکانهایی که دارای چند یا یک مدرس، حجرات، مسجد و کتابخانه بوده است و در آنجا زندگی دانش پژوهان به حالت انفرادی و یا جمعی اداره می‌شده است. همچنین تمام این مدارس توسط مردم خیر و یا از طریق وقف تأمین می‌گشته است که معمولاً تجار بزرگ هر محلی نقش مهمی

- ۱ - نیکول گراندن، استادیار و متخصص اسلامی سوادن، در مدرسه عالی علوم اجتماعی پاریس می‌باشد.
- ۲ - مارک گبوریو، استاد مردم شناسی قاره هند، در مدرسه عالی علوم اجتماعی پاریس و مدیر تحقیقات اسلامی هند، در مرکز ملی مطالعات فرانسه است. ولی تحقیقاتی پیرامون روابط هند و ایران نیز انجام داده است و آشنائی خوبی با فرهنگ ایران دارد.

MADRASA
LA TRANSMISSION DU SAVOIR
DANS LE MONDE MUSULMAN

Sous la direction de
NICOLE GRANDIN ET MARC GABORIEAU



cap

éditions ARGUMENTS

۴۵۲

در بودجه آن ایفا می‌کرده‌اند. در بیشتر مدارس استاد، یک پیرصوفی، عهده‌دار تعلیم و تربیت بوده است و یا یکی از فرقه‌های تصوف قرن‌ها در نشر و شکوفائی اسلام کوشاه بوده‌اند از جمله در افریقا فرقه‌های شاطریه و قادریه. از نکات حائز اهمیت این شیوه آموزش این‌که؛ دوره تعلیم غیر ثابت و به صورت تفسیر کتابهای متعددی نزد چند استاد بزرگ در شهرهای مختلف انجام می‌گیرد.

علیرغم تمام نظریات مبتنی بر این‌که مدرسه مدل کشورهای عرب و نظام آموزشی آن در سراسر کشورهای اسلامی یکسان برقرار می‌شده است، در این کتاب پژوهندگان سعی کرده‌اند تا نشان دهند که در هر کشور طبق ویژگیهای منحصر به خود نظام آموزشی متنوع و متفاوت با نظام مدل عرب است، برای نمونه در آسیای مرکزی، آموزش حقوق مکتب‌های شافعه‌ای و حنفیه بیشتر رایج بوده است، یا این‌که سلسله پادشاهی تیموریان به تشر دانش به ویژه علوم عقلانی و پزشکی اهمیت می‌داده‌اند، لاجرم شیوه تعلیم تیموریان تأثیر محسوسی بر سه امپراطوری عثمانیان در آسیای صغیر، صفویان در ایران و مغولها در هند که بر جهان اسلام حکمرانی می‌کردند، می‌گذارد، تأثیری که در چین به خوبی آشکار است. در ضمن باز درمی‌یابیم که دربار عثمانیان نظام آموزشی را دنبال می‌کند که تمام مؤسسات علمیه را در کنترل خود دارد و افزون بر آن یک سلسله مراتب معلمی‌ای همانند: ملا، «مولویت»، مُدرس، خطیب، «مزین» قاضی و مفتی دارد که آخری در رأس مدارس می‌باشد و این سلسله مراتب در کشورهای اسلامی

ناشناخته است و یا سرانجام در مدارس هند مغول به جنبه علوم عقلانی، پزشکی، طبیعی و تصوف ارزش بیشتری می‌داده‌اند. جان کلام این که شیوه آموزش متنوع و متغیر و زیر نفوذ انتقال دانش سرزمین‌های اسلام مرکزی نبوده است.

اما برخورد کشورهای اسلامی در چالش‌های سیاسی و نظامی با اروپا در نظام آموزشی تأثیر و اصلاحاتی در آن به همراه داشت. حال از چه زمانی اولین اصلاحات در زمینه آموزشی به وجود می‌آید؟ تا چه اندازه مدل سنتی از مدل مدرن فاصله می‌گیرد؟ در پاسخ به این پرسش‌هاست که در بخشی از کتاب پژوهشگران «متخصص» مصر، ترکیه و اندونزی به سیر تکوینی تحولات از قرن ۱۸ م. تا کنون می‌پردازند. در مصر از سالهای ۱۸۲۰ به بعد، چند نظام آموزشی در کنار هم در مدارس آن کشور دنبال می‌شود از جمله: نظام آموزشی مسجد، نظام آموزشی مدارس امیریه (پزشکی، مهندسی، دامپزشکی) دارالعلوم و مدرسه قصّات. در پی استعمار مصر است که اصلاحاتی در نظام آموزشی مصر آغاز می‌گردد ولی به شکست منجر می‌شود. تا این که متفکران اسلامی از سالهای ۱۸۹۰ دست به اقداماتی در شیوه آموزش و دروس تعلیمی می‌زنند و سرانجام در زمان عبدالناصر اصلاحات پایه‌ای صورت می‌گیرد از جمله تأسیس سه دانشکده فقه و الأزهر ملی می‌گردد.

۴۵۲

در ترکیه، از پایان قرن ۱۸، دولتمردان این کشور، ضرورت علوم جدید را حس کرده اما برای رفع نیاز خود، اول از زمینه آموزش نظامی شروع می‌کنند که از سالهای ۱۷۷۰، مدرسه مهندسی دریائی، مدرسه علوم نظامی، مدرسه علوم اداری، مدرسه هنر و حرفه و مدرسه عالی پزشکی یکی پس از دیگری تأسیس می‌شوند. لیکن این مدارس چندین بار بسته می‌شوند تا این که سرانجام در سال ۱۹۰۰ برای همیشه شروع به فعالیت می‌کنند. افزون بر آن در مدارس سنتی تعمیراتی حاصل می‌گردد از جمله پیدایش «مدرسه متخصص» (تربیت معلم برای دیگر مدارس)، مدرسه ارشاد، درالحکمت الاسلامیه.

از اوائل قرن ۱۹ م. در اندونزی، در کنار نظام آموزشی سنتی چند نظام دیگر به وجود می‌آید. یکی نظام آموزشی که به شیوه مدرن الأزهر الگو بود و دیگری از روش مدارس اروپائی الهام گرفته بود. در افریقا به ویژه سودان که زیر نفوذ فرقه‌های قدریه و شاطریه و جنبش‌های «مهديه» بود، به هنگام استعمار این کشور (و دیگر کشورهای افریقائی) زبان فرانسه و انگلیسی تحمیل گشت، بدین جهت از سالهای ۱۸۵۰ تمام ادارات و مؤسسات زیر نظر استعمارگران اداره می‌شد که در پی آن تصمیم گرفته می‌شود که تعلیم علوم اسلامی دوباره باز سازی گردد و انگلیسی‌ها علمای مصری را کنار نهاده، زبان ترکی را به جای عربی رواج داده و مسجد «أمدرمن» (Omdurman) را برای تدریس و گردهمایی علمای سودانی تأسیس می‌کنند.

تا چه اندازه مدل نظام آموزشی سنتی با مدل‌های کلاسیک فاصله می‌گیرند؟ در اینجاست که پژوهشگران متخصص هند و پاکستان می‌کوشند تا نشان دهند چگونه مدل نشر دانش در هند مغول با سنت آموزشی تیموریان ادغام می‌گردد و زیر نفوذ مراکز آموزشی تصوف اسلامی هند قرار می‌گیرد. ویژگی‌های اسلام در سرزمین هند در این می‌باشد که تا سال ۱۸۳۵ زبان فارسی، زبان رسمی است تا این که استعمارگران بریتانیایی آن را حذف نموده و زبان انگلیسی را تحمیل می‌کنند و همچنین زبانهای محلی رونق نسبی پیدا می‌کنند. در ضمن مسلمانان هند در اقلیت‌اند یعنی ۲۰٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. بعد از شورش معروف به «سپاهیان» در سال ۱۸۵۷، اصلاحاتی در زمینه نظام آموزشی حاصل می‌گردد از جمله مدرسه علمای «لوکنو» (Lucknow) که در آن به شیوه اروپائی تدریس می‌شود، به علاوه او با به وجود آمدن چاپ، اصلاحاتی در زمینه نشر دانش تحقق می‌یابد، یعنی نشر کتابهای چاپی شیوه آموزش را آسان نمود. وانگهی، در هند مبلغین مسیحی اولین کسانی بودند که از چاپخانه بهره‌جسته و برای تبلیغ و دعوت به مسیحیت اقدامات گسترده‌ای را آغاز نمودند. همین امر موجب گشت تا مسلمانان هند در مقابل دست به اقدام نوشتارهای چاپی زنند و اولین قرآن چاپی در هند صورت گرفت. در این راستا، روسی‌ها در آسیای مرکزی از چاپ در جهت اشاعه نظریات خود برای سلطه‌گری خود در آسیای مرکزی بسیار بهره بردند.

در بین مقالات، دو متن جای بحث دارند و حائز اهمیت می‌باشند، یکی پیرامون رساله پیشه‌وران و اصناف افغانستان است که طبق آن هر شغلی یک کلانتر و یک پیر دارد. این رساله را هر کارگر، هنرمند، مغازه‌دار ... اعم از بی‌سواد و با سواد همیشه همراه خود دارند، که نام آن «فتوات نامه» و به فارسی «جوانمردی» می‌باشد، و تعداد صفحات آن از ۵ تا ۱۰ ورق می‌باشد که به فارسی نگارش یافته است. هر رساله دارای عناصر مهم زیر می‌باشد: «نور نامه» (حمد به خدا)، سوال و جواب در مورد تاریخ شغل، پیدایش آن، سوال و جواب پیرامون پیر و کلانتر، سوالاتی در مورد طرز کار، کارگر، هنرمند ... از هنگام آغاز کار تا پایان آن و سؤال و جواب مربوط به پاکی و نظافت هر کار. انتقال این رساله از طرف پیر به «مرید» یا شاگرد خود در مراسم «کمربندی» انجام می‌گردد و در این هنگام شاگرد یک نسخه از رساله را دریافت می‌کند. دومین متن مربوط به نظام آموزشی در چین مسلمان است و پژوهنده این بخش مطالعات خود را به مسجد زنان و نظام آموزشی توسط آخوند زن اختصاص داده است، بدین معنا که این مساجد تنها متعلق به زنان می‌باشند و علاوه بر این که اداره آموزشی و پیش‌نمازی مساجد بر عهده آخوند زن است، آنان مسؤول برگزاری مراسم سوگواری و به خاکسپاری زنان میت می‌باشند، همچنین، در مواقع اختلافات خانوادگی و رفع و حل مشکلات خانواده، آخوند زن به درخواست

زن خانه پا در میانی می‌کند. نکته شایان توجه این که: آخوند زن، حق عقدکنان نیز دارد. این مساجد در شمال شرقی چین به ویژه در منطقه «هنان» (Henan) متمرکزاند. از ویژگی‌های این مساجد این که: آموزش به زبان فارسی است (به جز فراگیری قرآن) و تمام آنها در مرکز شهرها و روستاها بنا شده‌اند، در صورتی که مساجد مردان در اطراف شهرها واقع‌اند، مسؤولیت کل این مساجد توسط یک کمیته که رأس آن یک آخوند زن است، اداره می‌شود و تمامی آنها وابسته به انجمن اسلامی چین هستند و بودجه آنها از طرف مردم مسلمان هر منطقه تأمین می‌گردد.

پایان سخن: به طور کلی نظام آموزشی «مدرسه» در جهان اسلام برمحور استاد و شاگرد می‌چرخد و مواد آموزشی نیز با کمی تغییرات ویژگی مکان و زمان در یک راستا بوده است. با برخورد فرهنگ غرب با کشورهای اسلامی، به ویژه، از قرن ۱۷، در تمام این کشورها تغییراتی و اصلاحاتی الهام گرفته و حتی کپی شده از مدل نظام آموزشی غرب صورت می‌گیرد، به طوری که دگرذیسی در شیوه نشر دانش ایجاد می‌گردد و شیوه استاد و شاگردی به برنامه‌ها و سازمانهای مشخص تبدیل می‌گردد: دوره مشخص، کلاس مشخص، تقویم سالیانه و آزمون سالیانه به جای اجازه قدیم می‌نشیند. افزون بر آن، نه تنها دولتمردان سیاسی خواهان این تحولات بودند، بلکه حتی روشنفکران همان طوری که مسلمانان و جنبش‌های اسلامی نقش مهمی در این اصلاحات ایفا نموده‌اند. می‌دانیم هندوستان و ترکیه از پنج کشور «لائیک» هستند، اما جدایی دین و دولت در گسترش و توسعه مدارس دینی مانعی نشد. از سال ۱۹۲۳، ترکیه ضمن القای خلافت و مدارس و قوانین شرعی و ممنوع کردن فرقه‌های مذهبی، جدایی دین و دولت را اعلام نمود. اداره و امور مذهب را به عهده یک اداره دولتی به نام اداره امور مذهبی وا گذاشت، یعنی روحانیون حقوق‌بگیر دولت شدند. در پی کودتاهای نظامی و زیر سؤال رفتن میراث «لائیک» آتاتورک در چندین دهه گذشته مدارس مذهبی و معروف به «امام‌خاطب» که بدو تاسیس‌شان در سالهای ۱۹۵۰ و طبقه‌شان تربیت و روحانیون مورد نیاز اداره امور مذهبی را به عهده داشت توسعه یافته‌اند تا آنجائی که شمار کنونی آنها به ۵۰۰۰ هزار نفر رسیده‌اند.

پی‌نوشت:

1 - Alexandre Popovic et Gilles Vienstein: Les ordres Mystiques dans

l' Islam. Cheminements et Situation actuelle. Paris. EHESS, 1986

- Alexandre Popovic et Gilles Veinstein: les voies d'Allah, les ordres mystiques dans le monde musulman des origines à aujourd'hui, Paris, Fayard. 1996.

- Marc Gaborieau, Alexandre Popovic et Thierry Zacone: Nagshbandis. Cheminements et situation actuelle d'un ordre mystique musulman. Istanbul. Editions Isis, 1990.